

نشانه‌شناسی عملیات انتحاری در گروه‌های تکفیری اسلامی (مطالعه موردی: داعش در عراق)

* مهدی نجف‌زاده

E-mail: M.najafzadeh@um.ac.ir

** جواد جمالی

E-mail: jvjamal@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۱۰

چکیده

عملیات انتحاری کشتار گسترده‌ای را در جهان اسلام حدود سه دهه به راه انداخته است. امروز عملیات انتحاری به یکی از تاکتیک‌های رایج و خشونت‌بار در رویارویی مذهبی به‌ویژه از سوی تکفیری‌ها تبدیل شده و مرگ ناشی از عملیات انتحاری، شکلی سیاسی معطوف به قدرت یافته است. در مطالعه موردی داعش در عراق که در این پژوهش بررسی شده عوامل انتحاری رابطه‌ی جدیدی با مرگ به تصویر کشیده و با اشتیاق، مرگ را به تعجیل می‌اندازند. مقاله حاضر، با هدف رمزگشایی حملات انتحاری در گروه‌های تکفیری، برای پاسخ به این سؤال که مرگ‌خواهی عناصر داعش که در حملات انتحاری متبلور می‌شود، «نشانه» چیست؟ با تکیه بر «نشانه‌شناسی تصویری» و با تحلیل تصاویر منتشره از عاملان انتحاری داعش، به این نتایج رسیده که میل به مرگ، نشانه‌ی «هویت‌جویی» عناصر داعش از طریق «جاودانگی» ناشی از مرگ اختیاری و انکار هویت‌های رقیب است.

کلید واژه‌ها: نشانه‌شناسی تصویری، الگوی پیرس، عراق، عملیات انتحاری و داعش.

* دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده‌ی مسئول

مقدمه و طرح مسئله

سابقه‌ی شکل‌گیری داعش در عراق به ۱۵ اکتبر ۲۰۰۶م باز می‌گردد. در آن مقطع، در پی نشست چندین گروه مسلح در چارچوب معاهده موسوم به «حلف‌المطیین»، داعش به رهبری ابو عمر البغدادی تشکیل شد. در روز نهم آوریل ۲۰۱۳م، یک پیام صوتی منتسب به ابوبکر البغدادی پخش شد و تشکیل «گروه دولت اسلامی عراق و شام» (داعش) رسماً اعلام شد. داعش از ابتدای تأسیس تا زمان فروپاشی و حتی پس از آن، حملات بسیاری را در عراق، سوریه و سایر نقاط دنیا از جمله ایران برعهده گرفت که در میان آنها، حملات انتحاری، به سلاحی کنترل‌ناپذیر برای پیشبرد اهداف نظامی این گروه تبدیل شد. در دنیایی که بشر از راه‌های مختلف به دنبال مفردی برای گریز از مرگ است، عاملان انتحاری داعش با میل خود به سوی مرگ می‌روند و نقش عنصر «اختیار» در این موضوع بسیار قوی است. عملیات انتحاری به معنای «خودکشی عقیدتی به قصد صدمه زدن به غیر (دشمن)» (پاپ؛ ۲۰۰۳) است که در گروه‌های تکفیری اسلامی نیز به همین معنا درک می‌شود.

از دهه‌ی ۱۹۸۰م که عملیات انتحاری به‌ویژه در جهان اسلام اوج گرفته است، پژوهش‌های متعددی پیرامون «چیستی» و «چرایی» این پدیده صورت گرفته است (پاپ، ۲۰۰۳) (پاپ، ۲۰۰۵) (کرنشواو، ۲۰۰۷) و دلایل مختلفی از جمله نابسامانی اقتصادی و فقر (تامپسون، ۲۰۰۱)، اهداف سیاسی و استراتژیک (پاپ، ۲۰۰۵)، انگیزه‌های مقدس‌گرویی (آتران، ۲۰۰۶)، آزادیخواهی (ابادی، ۲۰۰۴)، عوامل روحی و روانی (لنکفورد، ۲۰۱۰) و شرایط جسمی (یادگاری، ۲۰۱۱)، برای عملیات انتحاری برشمرده شده که در این میان، از «انگیزه‌های هویتی» غفلت شده است. در کتاب «جهاد استشهادی و انتحاری» (الهی، ۱۳۹۵)، به استناد آیات قرآن و ادله‌ی فقهی بر مشروعیت عملیات استشهادی و گناه کبیره بودن انتحار تأکید شده اما به دلایل انتخاب عملیات انتحاری به‌عنوان یک روش مبارزه در منازعات هویتی گروه‌های اسلامی پرداخته نشده است. در کتاب «ریشه‌های تروریسم» (رایش، ۱۳۸۱)، نیز نویسنده ضمن بررسی روان‌شناختی و گونه‌شناسی تروریسم، با طرح موضوع «تروریسم انتحاری»، برخی عوامل فرهنگی، تلقین عقیده، عوامل وضعیتی و عوامل فردی را به‌عنوان «عوامل مؤثر بر انتحار» ذکر می‌کند، اما در مباحث خود هیچ اشاره‌ای به معانی نهفته در عملیات انتحاری نمی‌کند. مقاله «نشانه‌شناسی عملیات انتحاری در منازعات گفتمانی عراق» (حاجی یوسفی، ۱۳۹۳: ۷۵)، با بهره‌گیری از نظریه‌ی «محروریت» و با اتکا به «الگوی گفتمان»، به رقابت سه گفتمان

اصلی (سلفیت، سکولاریسم و اسلام سیاسی مردم‌سالار) در عراق می‌پردازد که هر یک تلاش دارد نشانه‌ی عملیات انتحاری را برای تثبیت جایگاه خود و تضعیف رقیب تفسیر کند. در این مقاله نیز نبرد هویتی خشونت‌بار تکفیری‌ها علیه «هویت‌های دیگر» در عراق، مغفول واقع شده است.

برای دستیابی به تحلیلی عمیق‌تر و جدید درباره‌ی معنای حملات انتحاری تکفیری‌ها، سؤال اصلی این است که مرگ‌خواهی عناصر گروه‌های تکفیری که در حملات انتحاری متبلور می‌شود، «نشانه» چیست؟ به عبارت دیگر، عوامل انتحاری داعش در عراق با فدا کردن خود چه «پیامی» به مخاطب منتقل می‌کنند؟ فرضیه آن است که «حملات انتحاری داعش نوعی رفتار معطوف به قدرت و نشانه‌ی «هویت‌جویی» عناصر این گروه از طریق «جاودانگی» ناشی از مرگِ اختیاری و انکار هویت‌های رقیب است». برای دستیابی به نتایج مشخص با انتخاب نشانه‌شناسی تصویری و اشاره به نظام نشانه‌ای داعش، به تحلیل نشانه‌های نمادین و شمایی در تصاویر انتخاب شده از عاملان انتحاری داعش پرداخته شده است.

سؤال‌های تحقیق

- ۱- مرگ‌خواهی عناصر گروه‌های تکفیری که در عملیات انتحاری متبلور می‌شود، «نشانه» چیست؟
- ۲- عوامل انتحاری داعش در عراق با فدا کردن خود چه «پیامی» را به مخاطب منتقل می‌کنند؟
فرضیه‌های مقاله به طور مشخص عبارتند از:
 - ۱- در عاملان انتحاری، نوعی اراده‌ی قوی مرگ‌خواهی وجود دارد که نشانه‌ی انگیزه‌های پنهان هویتی و درونی است.
 - ۲- عاملان انتحاری با حمله علیه هویت‌های رقیب و حذف آنها، در پی تشدید نبرد هویتی با رقبا و تثبیت و گسترش «هویت تکفیری» خود هستند.

چارچوب مفهومی و الگوی نظری

۱- نشانه‌شناسی تصویری

نشانه‌شناسی به‌عنوان روش بررسی پدیدارها، عمری به درازای تاریخ فلسفه و منطق دارد. اما نشانه‌شناسی جدید از دهه‌ی ۱۹۵۰م به بعد همچون روش پژوهش به ویژه در

دو قلمرو شناخت دلالت‌ها و ادراک سازوکار ارتباط‌ها به کار رفته است (احمدی، ۱۳۷۵: ۷). در اوایل قرن ۲۰، فیلسوف امریکایی، «چارلز سندرز پیرس» نشانه‌شناسی را «دانش بررسی تمامی پدیدارهای فرهنگی» دانست که به نظام‌های نشانه‌شناختی تعلق داشته باشند (احمدی، ۱۳۷۵: ۷). در این میان، مهم‌ترین نکته‌ی کاربردی در نشانه‌شناسی این است که خواندن نشانه بدون در نظر گرفتن بافتی که نشانه در آن قرار دارد و تعاملی که آن نشانه با سایر نشانه‌های بیرون و درون متن خود از جمله تاریخ دارد، غیرممکن است.

در این پژوهش «نشانه‌شناسی تصویری» به‌عنوان چارچوبی برای تجزیه و تحلیل سطوح معنایی عکس، به مثابه متن تصویری، به مدد دلالت‌ها و مفاهیم نظری انتخاب شده است. نشانه‌شناسی تصویری، یکی از شاخه‌های نشانه‌شناسی است که موضوع مورد بررسی در آن، «تصویر» یا به عبارت دقیق‌تر شمایل است. این نشانه‌شناسی برای نخستین بار در اروپا، به‌ویژه در فرانسه از دهه ۱۹۶۰ م. با «رولان بارت» آغاز شد. به گفته‌ی «بارت» تصویر، تقلید است. تصویر نظامی از نشانه‌هاست و همواره بیانگر غیاب موضوع (احمدی، ۱۳۷۵: ۱۹). «تصویر» به‌عنوان یک متن، دربردارنده‌ی واژگان یا نشانه‌های بصری است که ذهن خواننده و بیننده را به رمزگشایی، ترکیب و ساخت معانی هدایت می‌کند. در این حالت، تصویر یا عکس معمولاً به انتقال پیام یا پیام‌های خاصی اشاره دارد و بر مبنای «قراردادها» و «تداعی‌ها» قابل تأویل و «تفسیر» است. تصاویر، معانی خود را به سهولت بروز نمی‌دهند بلکه این معانی برای آن‌که بهتر فهمیده شوند، باید رمزگشایی شوند (متز، ۱۳۷۶: ۳۱). با این حال، تصاویر و عکس‌ها یکی از رسانه‌های بازنمایی عصر حاضر هستند و همواره نسبت و پیوندی با واقعیت دارند (چندلر، ۱۳۸۶: ۹۵).

۲- مدل نظری

از میان مدل‌های نشانه‌شناختی، «الگوی پیرس» برای چارچوب تحلیلی این مقاله انتخاب شده است. به تعبیر پیرس، «نشانه» چیزی است که با چیز دیگری مشخص و تعریف می‌شود. آن چیز که موضوع نامیده می‌شود، تأثیر نشانه را از طریق «تفسیر» بر اشخاص بازنمون می‌کند (استنفورد، ۲۰۱۰). بر این اساس، هر چیز (دال) در جهان به موضوعی خاص (مدلول) ارجاع می‌دهد. رابطه‌ی دال و مدلول را مفسر برعهده دارد؛ انسان‌ها از طریق تفسیر به نشانه‌ها پی می‌برند. اهمیت تفسیر تنها توضیح‌دهندگی

رابطه‌ی دال و مدلول نیست، بلکه نشانه نیز در جریان تفسیر شکل می‌گیرد (نجف‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۰۷). پیرس نشانه‌ها را به سه دسته تقسیم می‌کند؛ دسته‌ی اول نشانه‌های «نمادین» هستند که براساس قراردادهای نشانه‌شناختی در یک نظام نشانه‌ای استوارند و طبق یک رابطه‌ی دلخواه بین گیرنده و فرستنده پیام، ایجاد می‌شوند. مانند پوشیدن لباس سیاه در ایام عزاداری. دوم، نشانه‌های «شمایلی» هستند که خود مشتمل بر سه نوع تصویری، نموداری و استعاری است و بر شباهت نشانه با موضوع استوارند و براساس یک رابطه‌ی تداعی می‌توان از دال به مدلول رسید. همانند تصویر یک فرد. سوم، نشانه‌های «نمایه‌ای» هستند که براساس نوعی نسبت درونی، وجودی یا علی میان موضوع و نشانه شناخته می‌شوند. مانند تب که نشانه بیماری است (احمدی، ۱۳۷۵: ۴۳). برای بهره‌گیری کامل‌تر از مدل پیرس در این پژوهش، ضرورت دارد برخی مفاهیم نشانه‌شناختی نیز تشریح شوند.

معنای صریح و معنای ضمنی؛ «دلالت صریح» در تصویر همان چیزی است که دیده می‌شود و به معنای سرراست یک اصطلاح و نشانه اشاره دارد. «دلالت ضمنی» برای توصیف معنای فرهنگی مرتبط با یک اصطلاح به کار می‌رود. معنای اصلی در دلالت ضمنی نهفته است. دلالت ضمنی به موضوعات تاریخی، نمادین و عاطفی می‌پردازد (ر.ک به: بارت، ۱۳۸۹).

روابط هم‌نشینی و جانشینی؛ در برخی اوقات نشانه‌ای جایگزین نشانه‌ی پیشین می‌شود یا دلالت‌بخشی به آن نشانه را ایفا می‌کند و در برخی اوقات نشانه‌ها در کنار یکدیگر واجد دلالت و معناهای جدید می‌شوند (نجف‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۰۷).

نظام نشانه‌ای؛ نشانه‌ها در درون نظامی به هم پیوسته معنادار می‌شوند. این نظام، قوانین تفسیری و زبانی خود را در جریان دلالت‌بخشی، بر نشانه‌ها اعمال می‌کند (نجف‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۰۷).

۳- «مرگ» در نظام نشانه‌ای داعش

نظام نشانه‌ای در پیوند با محیط یا بافت اجتماعی - فکری‌ای قرار دارد که در درون آن ساخته شده است (نجف‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۰۷). از این رو، برای درک معنای مرگ از منظر داعش و مرگ‌خواهی عوامل انتحاری این گروه باید نقش آن را در ساختار نشانه‌ای داعش شناخت (ن.ک: بانزل، ۲۰۱۵). مهم‌ترین عناصر نظام ارجاعی برای تفسیر نشانه‌های حملات انتحاری داعش عبارتند از:

۱-۳- خلافت اسلامی

در قلمرو داعش تمام افراد و هویت‌ها برای تحکیم موجودیت و قدرت خلافت هزینه می‌شدند. در واقع دولت خلافت به یک «اسطوره» تبدیل شده بود که همواره برای بقا، قربانی می‌طلبید. مخالفت رهبران داعش با شکل‌گیری «کیش شخصیت» در این گروه باعث شد که ابوبکر بغدادی رهبر گروه از انظار پنهان بماند و سربازان خلافت نیز از رسانه‌ها دور نگه داشته شوند (تودنهوفر، ۱۳۹۴: ۲۰۲).

۲-۳- جهاد

بغدادی در سخنرانی ۴ جولای ۲۰۱۴ م. گفت: «اگر بخواهید وعده‌ی خدا شامل حالتان شود به حکم جهاد در راه خدا عمل کنید...» (عطوان، ۱۳۹۵: ۳۴). از این زاویه، پیروی از شیوه جهاد مسلح، تنها شیوه‌ی اسلامی راستین برای گسترش اسلام است.

۳-۳- شهادت

با استناد به سخنان بغدادی در تاریخ ۲۹ ژوئن ۲۰۱۴ در مسجد جامع موصل، از منظر داعش ضمن این‌که عملیات انتحاری نوعی جهاد فردی و واجب است، خودکشی برای کشتن دشمنان خدا شهادت است (نجات، ۱۳۹۴: ۴۳). ابومحمد العدنانی سخنگوی داعش در سخنرانی خود در ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۴ م. می‌گوید: «ما آماده‌ایم. مرگ ما شهادت است» (تودنهوفر، ۱۳۹۴: ۱۲۵).

۴-۳- خشونت

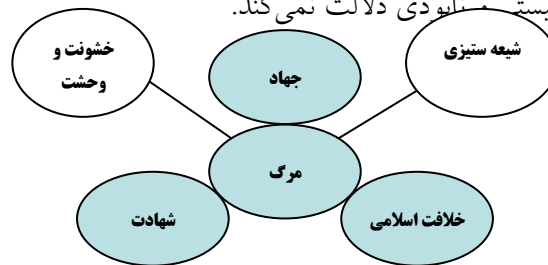
از نظر داعش، عمل خشونت‌بار هرچه فجیع‌تر باشد، می‌تواند جنگجویان بیشتری جذب کند. ابوبکر ناجی از نظریه‌پردازان تکفیر، یکی از دلایل موفقیت عباسیان را این می‌داند که آنان بیش از دیگران خشونت به خرج می‌دادند (عطوان، ۱۳۹۵: ۲۲۶).

۵-۳- شیعه‌ستیزی

«توحید و وحدانیت» از نشانه‌های محوری متصل به نظام هویتی تکفیری است. این آموزه با حمله به برخی عقاید شیعه و اهل سنت میانه‌رو از جمله توسل و زیارت قبور، بستر مناسبی برای شیعه‌ستیزی داعش فراهم کرده است. ابوبکر بغدادی، در ابتدای ظهور داعش در سخنانی گفته بود: «از همه مردان مسلمان می‌خواهم به سمت ما هجرت کنند و در جهاد علیه رافضی‌های صفوی و شیعیان مجوس مشارکت کنند» (ذوالفقاری و عمرانی، ۱۳۹۶: ۱۶۹). حتی فراتر از آن، به باور داعش «شیعه‌ها مسلمانان واقعی نیستند و اگر به اسلام واقعی برگردند، همگی باید کشته شوند» (تودنهوفر، ۱۳۹۴: ۱۲۴). ابوقتاده از رهبران آلمانی داعش می‌گفت: «شیعه‌ها مرتدند. حکم ارتداد هم در اسلام مرگ است» (تودنهوفر، ۱۳۹۴: ۱۰۶). داعش در اوج فعالیتش در پیام توئیتری

اعلام کرد: «رافضی‌ها بدانند هدف ما تخریب نماد شرک‌آلود در نجف، کربلا و سامرا است. بعد از تخریب این نمادها به ایران خواهیم آمد و مشهد را با خاک یکسان خواهیم کرد» (سایت مشرق‌نیوز، ۱۳۹۳) علاوه بر این آموزه‌های ایدئولوژیک، در عرصه عمل نیز براساس گزارش حقوق بشر سازمان ملل متحد، تعداد ۶۷۰ اسیر شیعه در دست داعش در ۱۰ ژوئن ۲۰۱۴ کشته شدند (اسماعیل‌زاده امامقلی، ۱۳۹۵: ۱۲۳). این در حالی است که دشمنی داعش با غیریت مسیحی و یهودی عملاً کم‌رنگ یا به اولویت‌های بعدی تبدیل شده است. داعش با تقسیم دشمن به دشمنان «دور» و «نزدیک»، اولویت حملات خود را تغییر داده است. طبق ادبیات جدید تکفیر، داعش ابتدا شیعه، بعد اهل سنت و در نهایت غرب (مسیحیت و یهودیت) را تکفیر می‌کند (فیرحی، ۱۳۹۳).

در مجموع، در نظام نشانه‌ای داعش، «مرگ» یک ویژگی مشترک در مدلول تمامی نشانه‌هاست و باورها و رفتارهای ناشی از این نظام معنایی، «مرگ‌خواهی» را نوعی آرمان می‌داند. اساساً «مرگ» به‌عنوان نشانه‌ی مرکزی نظام نشانه‌ای داعش (شکل شماره ۱)، در ذهن رهبران و عناصر داعش کارکردی ایجابی و تأسیسی دارد و اصولاً به موضوع (مدلول) نیست. منابودی دلالت نمی‌کند.



شکل شماره ۱: جایگاه مرکزی نشانه‌ی «مرگ» در نظام نشانه‌ای داعش

روش تحقیق

در این مقاله با کاربست روش تحقیق کیفی، تصاویر عوامل انتحاری داعش به مثابه متن در نظر گرفته شد و از طریق نشانه‌شناسی تصویری، نشانه‌ها استخراج و مورد تفسیر قرار گرفته است. در تصاویر عاملان انتحاری با انتخاب «شمایل فردی»، به‌عنوان موضوع کلی تصاویر، شاخص‌های جزئی‌تر مرتبط با این پژوهش به تفکیک ژست

(نمایش انگشت اشاره)، نوع و رنگ لباس، کلام (نوشتاری)، موقعیت (پس زمینه) تعریف شده و هر یک از شاخص‌ها در ۵۰ تصویر حجم نمونه، شمارش شد. پس از مشخص شدن شاخص‌های پرتکرار، آنها از طریق نشانه‌های «شمایلی» و «نمادین» الگوی پیرسی «تفسیر» شده‌اند.

روش جمع‌آوری داده‌ها

داده‌ها و ارقام مورد استفاده در این پژوهش، با ابزار و روش‌های ذیل گردآوری شده‌اند.

۱- تکنیک گردآوری اطلاعات

داده‌های این مقاله، از اسناد و اطلاعات موجود در سایت‌ها و کتابخانه‌های مختلف گردآوری شده است.

۲- حوزه تحقیق

این مقاله، به بررسی حملات انتحاری داعش در سراسر عراق و در فاصله‌ی زمانی سه ساله از ۱۳۹۳ ش. الی ۱۳۹۶ ش. می‌پردازد.

۳- سال انجام تحقیق

تحقیق حاضر از زمستان ۱۳۹۶ آغاز و در تابستان ۱۳۹۷ پایان یافت.

۴- جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه‌ی آماری این مقاله، شامل ۲۰۰ تصویر قابل دسترسی در سایت‌های مختلف اینترنتی از عوامل انتحاری داعش در عراق است که تصاویر آنها از ۱۳۹۳ ش تا ۱۳۹۶ ش از شبکه‌ی «اعماق الاخباریه» به‌عنوان بازوی تبلیغاتی داعش، بازنشر شده‌اند. حجم نمونه پژوهش نیز تصویر ۵۰ نفر از جامعه آماری مذکور است که به شیوه تصادفی ساده و با روش قرعه‌کشی نمونه‌گیری شده است.

یافته‌های تحقیق

تصاویر عاملان انتحاری نزدیک‌ترین واقعیت به لحظه‌ی انفجار انتحاری است که ما از جزئیات آن مطلعیم و داعش نیز از این طریق پیام‌های خود را به مخاطبان ارائه می‌کرد. در این مقاله «شمایل (تصویر) فردی»، به‌عنوان یک کلّیت در نظر گرفته شده و برای شناسایی و تفسیر نشانه‌های درون آن، لازم است اجزای متعدد آن که هر یک نشانه‌ای

مجازاست، نیز احصاء و نشانه‌های با فراوانی بالای ۳۰ درصد در «حجم نمونه»، برای «تفسیر» انتخاب شوند.

۱- توصیف نشانه‌ها

نشانه‌های مورد نظر در ۵۰ تصویر «حجم نمونه» شمارش شد که فراوانی و درصد هر یک به شرح ذیل است.

۱-۱- ژست

از مجموع تصاویر بررسی شده، ۵۸ درصد (۲۹ مورد) عوامل انتحاری را در حال نشان دادن انگشت سبابه به سمت آسمان و ۴۲ درصد (۲۱ مورد) نیز بدون این عمل، نشان می‌دهد. این نشانه در تصویر شماره ۲ به خوبی نمایان است.



تصویر شماره ۲: زبیر الانصاری، عامل حمله به موصل عراق - خرداد ۱۳۹۵

۱-۲- نوع و رنگ لباس

۶۰ درصد تصاویر (۳۰ مورد) عامل انتحاری را در لباس سنتی - عربی که در زیر جلیقه انفجاری پوشیده و ۴۰ درصد (۲۰ مورد) نیز در لباس‌های مدرن امروزی، نشان می‌دهد. در این مجموعه هم‌چنین ۶۶ درصد (۳۳ مورد) از عاملان انتحاری با لباس رنگ قهوه‌ای روشن و تیره، ۲۰ درصد (۱۰ مورد) با لباس رنگ مشکی و ۱۴ درصد (۷ مورد) نیز مواردی غیر از آن مشخص شده‌اند. این نشانه در تصویر شماره ۳ به وضوح قابل مشاهده است.



تصویر شماره ۳: ابومجاهد البصری، عامل حمله به شهر مسیب، استان بابل عراق - ۲۰ خرداد ۱۳۹۶

۳-۱- کلام نوشتاری

در برخی موارد تصاویر عوامل انتحاری داعش با عبارات زیرنویس شده به زبان عربی نیز ترکیب شده که نشانه‌های کلامی را تشکیل می‌دهند. از مجموع ۵۰ تصویر بررسی شده، در ۳۶ درصد (۱۸ مورد) تصاویر، از واژگان «جیش الرافضی» و کلمات مشابه و در شش درصد (۳ مورد) نیز از واژه «المرتدین» برای توصیف اهداف مورد حمله، استفاده شده است. همچنین در ۵۸ درصد (۲۹ مورد) نیز از زیرنویس استفاده نشده است. درج «نام عوامل انتحاری» نیز نشانه‌ی کلامی دیگری است که با سایر نشانه‌های تصویری ترکیب شده است؛ از تصاویر بررسی شده، ۶۰ درصد (۳۰ مورد) عوامل انتحاری دارای «نام مستعار» و ۴۰ درصد (۲۰ مورد) نیز بدون ذکر نام بوده است. نشانه‌های مذکور، به خوبی در تصویر شماره ۴ مشاهده می‌شود.



تصویر شماره ۴: ابوعبدالواحد التونسي، عامل حمله به سامرا عراق - ۱۳۹۴/۸/۷

۴-۱- موقعیت (پس زمینه تصویر)

از تصاویر بررسی شده، پس‌زمینه تصویر عامل انتحاری در ۴۸ درصد (۲۴ مورد) شامل ادوات نظامی اعم از تانک و خودرو بمب‌گذاری شده، در ۲۸ درصد (۱۴ مورد) نیز پرچم سیاه‌رنگ داعش و در ۲۴ درصد (۱۲ مورد) غیر از آن است. فراوانی موقعیت‌های طبیعت نیز در تصاویر داعش قابل توجه است. نشانه‌ی پرچم سیاه‌رنگ داعش کاملاً در تصویر شماره ۵ نمایان است.



تصویر شماره ۵: ابو عمر العراقي، عامل حمله به سامرا عراق - تیر ۱۳۹۶

۲- تفسیر نشانه‌ها

در کلیت فرایند معنی‌سازی که در نشانه‌شناسی پیرسی شکل می‌گیرد، «تفسیر» عمدتاً معنایی است که از نشانه حاصل می‌شود. در تصاویر ارائه شده از عاملان انتحاری داعش هر نشانه ممکن است چندین معنا (تفسیر) اعم از معانی صریح و ضمنی داشته باشد، که از میان آنها می‌توان براساس همخوانی هر نشانه با نظام نشانه‌ای داعش، یکی از آن معانی را تحکیم و تثبیت کرده و به سایر معانی نیز اشاره کرد. تفسیر مهم‌ترین نشانه‌های موجود در تصاویر حملات انتحاری به شرح ذیل است:

۲-۱- «انگشت سبابه» (انگشت اشاره)؛ نشانه‌ای برای یگانگی

از منظر روان‌شناختی، گروه‌های متصلب و وحدت‌گرا، برای حفظ هویت و موجودیت خود و دستیابی به انسجام درونی، نیازمند «نمادسازی» هستند؛ آنها برای این منظور یک علامت یا شیء خاص را به‌عنوان «نشان مشترک» می‌پذیرند. در داعش نیز دال «نمایش دادن انگشت سبابه» می‌تواند مدلول «یکی بودن» را بازنمایی کند، اما تفاسیر آن مختلف خواهند بود؛ در تفسیر نخست نمایش انگشت سبابه توسط عوامل

انتحاری داعش صرفاً به معنای یک «نماد و نشان مشترک» جهت اعلام همبستگی اعضا در هر نقطه از جهان است (کروکرافت، ۲۰۱۵). در تفسیر دوم این نشانه می‌تواند به معنای «برتری و یگانه بودن» گروه داعش باشد؛ در تفسیر سوم این نشانه می‌تواند به معنای «یکتایی و وحدانیت خداوند» باشد (زلینسکی، ۲۰۱۴)؛ زیرا از یکسو «یکی بودن» را نمایش می‌دهد و از سوی دیگر «به سمت آسمان» نیز هست که در اغلب فرهنگ‌ها «آسمان» به معنای جایگاه و مقام اولویت است. با ارجاع این نشانه به نظام نشانه‌ای - معنایی داعش، به نظر می‌رسد تفسیر سوم به‌عنوان «دلالت صریح» و در نتیجه، معنای محوری و تفاسیر اول و دوم به‌عنوان «دلالت ضمنی» و معانی فرعی این نشانه شناخته می‌شوند.

۲-۲- نشانه‌های منطبق با سازه‌ی هویتی و تاریخی داعش

بسیاری از نشانه‌های عاملان انتحاری داعش، اساساً هویتی و تاریخی - فرهنگی هستند. به نحوی که آموزه‌ها، رسوم، اعتقادات و ایده‌آل‌های کهن فرهنگ عربی - اسلامی را بازنمایی می‌کنند (بلوم، ۲۰۱۴). نشانه‌ی «لباس سنتی - عربی» به موضوع «هویت عربی» ارجاع می‌دهد و این‌گونه تفسیر می‌شود که عاملان انتحاری داعش در واقع بخشی از «نبرد هویتی» علیه هویت‌های بیگانه و «رقیب» را پیگیری می‌کنند و حمله انتحاری، یکی از روش‌های ستیز با هویت‌های رقیب به‌ویژه شیعیان و کردها در عراق است. «رنگ قهوه‌ای روشن» که غالباً رنگ لباس عاملان انتحاری است، یکی دیگر از نشانه‌های پرتکرار در تصاویر آنهاست. این نشانه ضمن این‌که موضوع «عربیّت» را بازنمایی می‌کند، به معنای «حس قدرت» و «اطمینان‌پذیری» است. نشانه‌ی «رنگ سیاه» به‌ویژه در پرچم و پوشش افراد و هم‌چنین پوشش سیاه خودروه‌های انفجاری، موضوع «مرگ، سوگواری و حزن» ناشی از ازدست دادن گذشته‌ی باشکوه را بازنمایی می‌کند که امروز عاملان انتحاری داعش با مرگ دلخواهی خود در پی بازیابی آن هستند و به معنای مختلفی تفسیر می‌شود؛ نخست رنگ سیاه داعش بیانگر «هویت تاریخی» است. علاوه بر این که عرب‌های بادیه‌نشین شاید اولین گروهی بودند که رنگ سیاه را به‌عنوان رنگ اصلی زندگی خود انتخاب کردند، به نظر می‌رسد، انتخاب پرچم‌های سیاه همان ادامه وضعیت دوره جاهلیت در نزد اعراب است؛ زیرا برافراشتن این‌گونه پرچم‌ها به معنای حزن و اندوه یا جنگ شدید است (رضوانی، ۱۳۹۳). پرچم‌های سیاه نماد دل‌بستگی داعش به خلافت اموی و عباسی نیز هست. داعش با پرچم‌های سیاه درصدد احیای خلافت عباسیان است. در زمان عباسیان رنگ سیاه شعار

آنان شده بود. از این رو پرچم هم به رنگ سیاه بود و آنها را سیاه جامگان می‌خواندند. دوم پرچم‌های سیاه می‌تواند به معنای تحولات آخرالزمانی و روایات عصر ظهور هم باشد. اما این مورد توسط کارشناسان مذهبی رد شده است (رک به: جعفری، ۱۳۹۳). سوم بخشی از پوشش افراد انتحاری داعش به‌ویژه عمامه و لباس عربی سیاه نماد عمامه سیاه پیامبر در روز فتح مکه است (جاندر، ۲۰۱۵). رهبران داعش با طراحی این پرچم می‌خواهند خود را خلیفه پیامبر و ادامه دهنده‌ی روش ایشان معرفی کنند. چهارم رنگ سیاه به معنای «قدرت» و «هراس‌افکندن» در دل دشمنان نیز شناخته می‌شود (www.colorpsychology.org/black) که به نوعی خشونت‌ورزی داعش را کامل می‌کند. در این میان، به نظر می‌رسد، رنگ سیاه داعش بر معنای صریح «بازیابی و احیای هویت تاریخی و فرهنگی باشکوه عربی - اسلامی در آغاز حکومت و خلافت اسلامی» دلالت دارد که مستقیماً شیعیان را غیریت خود می‌داند. سایر معانی نیز ضمنی هستند.

۲-۳- «غیریت‌سازی» ضدشیعی داعش

در پایین برخی تصاویر حملاتی که در عراق علیه شیعیان صورت گرفته، نشانه‌ای هست که جوهر زبانی دارد؛ در این تصاویر، «فقط» به «زبان عربی» نوعی کلام نوشتاری مانند «الجیش الرافضی»، «میلیشای رافضی»، «الجیش الصفوی» وجود دارند که موضوع «ارتش عراق» را بازنمایی می‌کنند و به معنای ارتش خارج از دین است. این نشانه‌ها بار معنایی تاریخی - فرهنگی بسیار قوی دارند. ترکیب شدن این نشانه‌ها با نشانگانی چون «پرچم داعش» یا «رنگ سیاه»، براساس «عنصر همنشینی»، به معنای ضمنی «غیریت‌سازی»، «دشمن‌سازی» و بازسازی نوعی تقابل ساختگی بین شیعه و اهل سنت در عراق است (ن.ک: الغراوی، ۲۰۱۴). ابومحمد العدنائی، سخنگوی داعش خطاب به نوری المالکی، نخست وزیر وقت عراق گفته بود: «هدف اصلی ما نه سامرا و بغداد، بلکه کربلا و نجف است» (سیفی، ۱۳۹۷: ۳۷) این همنشینی نشانگان بر نوعی معنای ضمنی دیگر یعنی «انتقام تاریخی» داعش از شیعیان نیز دلالت دارد. بیشترین ارجاعات داعش مربوط به دوره فتوحات و روایات سیف‌بن عمر است. از این رو، جریان داعش به نوعی ادامه جریان تاریخی جنگ‌های خالدبن ولید محسوب می‌شود (قزوینی، ۱۳۹۶). بر این اساس، داعش با تبدیل آموزه‌های خلافت و جهاد به محرکی برای شیعه‌هراسی می‌تواند به ایجاد آشوب‌های قومی - فرقه‌ای در منطقه دامن بزند.

۲-۴- گمنامی برای جاودانه شدن

در تصاویر عوامل انتحاری نوعی «روابط جانشینی» نیز وجود دارد؛ همه‌ی عوامل

انتحاری با نام مستعار که اصطلاحاً «لقب جهادی» (کنیه) نامیده می‌شود، معرفی می‌شوند و در مواردی نیز صورت‌هایشان پوشیده است. این بدین معناست که آنها با هویت، نام و تبار واقعی خود کشته نمی‌شوند. عوامل انتحاری بدون تعلق به هیچ هویت قومی، قبیله‌ای و خانواده‌ای و فقط با اسامی مستعار برگرفته از تاریخ و نام‌های تاریخی (مهاجر، انصار، شامی، عراقی و...) معرفی می‌شوند (ویتتر، ۲۰۱۷: ۲۱). از منظر فردی، این گونه مردن به نحوی که نه جسم باقی بماند و نه نام، به معنای آمادگی برای «جاودانه شدن» است؛ چون موجب رهایی از قیود مادی می‌شود. جاودانه بودن یعنی هنگامی که فرد زندگی این جهانی‌اش را به پایان رساند، در ساحتی دیگر به زندگی ادامه دهد. اما از منظر گروهی، این «نام‌های جهادی»، نشانه‌ی نمادین است که یک «هویت تاریخی باشکوه» و حسرت‌بار که مفاهیمی چون انصار و مهاجر در صدر اسلام و «جغرافیای تاریخی - هویتی» چون شام و عراق و شخصیت‌های تاریخی و حماسه‌ساز عرب هستند را بازنمایی می‌کند.

۵-۲- خطر سرایت نبرد هویتی داعش به مناطق پیرامونی

اشاعه و بازتولید منازعه هویتی بقایای داعش در مناطق مجاور عراق، به‌عنوان یک تهدید متصور است. ایران به دلایل مختلف به‌ویژه تنوع فرهنگی یکی از اهداف داعش برای انتقال نبرد هویتی به درون مرزهای کشور است؛ یکی از علل انتخاب عناصری از اقوام کرد و عرب عضو داعش برای حملات انتحاری به مرقد امام خمینی (ره) و مجلس شورای اسلامی در ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ و حمله ۳۱ شهریور ۱۳۹۷ در اهواز، همین موضوع بوده است. از آنجا که یکی از اهداف اصلی این حملات ایجاد شکنندگی در هویت ملی ایرانیان و حتی گسست هویتی بین ایران و عراق بوده، داعش تهدیدی هویتی است که با هویت ایران و عراق کنونی، تعارض بنیادین دارد (سیفی، ۱۳۹۷: ۳۷). حملات انتحاری داعش در ایران تاکنون نتوانسته است موجب چندپارگی هویت ملی ایرانیان و نزاع هویتی در جامعه شود؛ زیرا «تفکر جمعی ایرانی‌ها، جمهوری اسلامی را قدرت برتر نظامی در منطقه می‌داند» و این باور، پیوندهای ملی را تقویت می‌کند.

جدول نشانه‌شناختی حملات انتحاری داعش

نشانه	نوع نشانه	موضوع نشانه	تفسیر
نشان دادن انگشت سبابه	نمادین	یگانگی و یکی بودن	یکتایی و وحدانیت خداوند
لباس سنتی - عربی	نمادین	هویت عربی	نبرد هویتی با غیر

لباس رنگ تیره	نمادین	مرگ، سوگواری و اندوه	بازیابی هویت تاریخی و فرهنگی
جیش الرافضی و کلمات مشابه	شمایلی / استعاری	ارتش عراق	غیرت‌سازی ضد شیعی
نام مستعار عامل انتحاری	شمایلی / استعاری	هویت غیر واقعی	گمنامی و جاودانگی

نتیجه‌گیری

داعش بر اساس استنتاجات این مقاله قبل از آن‌که یک جنبش سیاسی - اجتماعی باشد یک جنبش نمادین بود. داعش از نشانه مرگ نه برای ترساندن پیروان بلکه برای اشتیاق و جذب آنان سود می‌جوید. با استناد به تفاسیر این مقاله از نشانه‌های حملات انتحاری مشخص می‌شود که اشتیاق عاملان انتحاری برای استقبال از مرگ داوطلبانه، عمدتاً با انگیزه‌های هویتی - ایدئولوژیک صورت می‌گیرد؛ زیرا هسته‌ی معنایی اغلب نشانه‌ها به نوعی با هویت‌جویی (فردی - گروهی) و جاودانگی مرتبط است. مهم‌ترین ابزار کاربردی داعش در راستای هویت‌بخشی به اعضای خود، جهاد برای خلافت اسلامی داعش، شهادت و به بهشت رفتن بوده است و عاملان انتحاری در تلاش هستند تا جایی که بتوانند به‌عنوان سربازان خلافت ادای دین کنند. این روش به نیروهای انتحاری داعش احساس مجاهد بودن، شجاع بودن و در نهایت بهشتی بودن را می‌دهد. برای آن دسته از جوانان سرخورده و مأیوس که همواره در رؤیای خلافت اسلامی به سر برده‌اند، داعش الگویی ساخت که می‌خواست افتخارات اسلامی و شکوه دوران فتوحات را برای آنان بازگرداند. در کشورهای اروپایی نیز نسل دوم و سوم مسلمانان مهاجر که خود را بی‌هویت می‌بینند، سعی می‌کنند با پیوستن به داعش، از این طریق هویت جدیدی پیدا کنند.

عاملان انتحاری داعش علاوه بر هویت‌جویی، با مرگ داوطلبانه در پی جاودانگی نیز هستند. حال می‌توان از مفهوم جدید «رمانتیسیم داعش» سخن گفت که در آن پذیرا شدن و لذت بردن از مرگ محوریت می‌یابد. از منظر یک نیروی انتحاری داعش، مرگ نوعی آرامش ابدی است. چه بسا افراد درمانده و دچار بحران هویت با دل دادن به مرگ، مشتاقانه در انتظار چنین آرامشی هستند. داعش در وضعیت بحران هویتی موجود در جهان اسلام در پی آن بود تا با معناسازی‌های خویش در جهان اسلام، هویتی جدید

را به اعضای خود هدیه کند. نکته‌ی بسیار مهم در رابطه با عوامل انتحاری این است که گرچه عوامل انتحاری داعش در پی هویت‌جویی هستند، اما به نظر می‌رسد، بیش از آن‌که در پی هویت فردی باشند، در پی هویت جمعی و گروهی تحت نام خلافت اسلامی هستند. بر این اساس، با توجه به این‌که خلافت به‌عنوان مهم‌ترین سمبل و اسطوره برای عاملان انتحاری داعش محسوب می‌شد، با فروپاشی خلافت داعش، از شدت حملات انتحاری آنها نیز کاسته شد.

در مجموع، حملات انتحاری یک «انتخاب راهبردی برای هویت‌جویی» و محصول یک اندیشه‌ی انحرافی بسیار قوی است. در شرایطی که اندیشه‌ها نمی‌میرند و جنگ با اندیشه‌ها نیز امری نزدیک به محال است، برای مقابله با حملات انتحاری باید به سلاح نرم‌افزاری مجهز شد و قبل از هدف قرار دادن خودروها و ادوات انتحاری، باید ذهن و فکر عاملان انتحاری را هدف قرار داد و این انتخاب راهبردی آنها را بی‌پشتوانه و بی‌بنیان ساخت. به کمک اندیشه می‌توان به جنگ اندیشه رفت. در رابطه با هویت‌جویی نیز در دنیای عرب و حتی مسلمانان اروپا باید این هویت به گونه‌ای به جوانان و خانواده‌های مسلمان اعطا شود تا آنها هویت و معنای خود را در «هستی و وجود» جست‌وجو کنند، نه در فنا شدن یا جاودانه شدن. امروز منازعات هویتی - ایدئولوژیک در درون جهان اسلام و جنگ‌های نیابتی برآمده از آن، بیشترین ظرفیت تولید حملات انتحاری را دارد. از این‌رو، ضرورت کاهش نشانه‌های ایدئولوژیک و «گفت‌وگوی درون‌اسلامی» نیز به شدت احساس می‌شود.

منابع

- احمدی، بابک (۱۳۷۵)؛ *از نشانه‌های تصویری تا متن*، تهران: نشر مرکز.
- اسماعیل‌زاده امامقلی، یاسر؛ احمدی فشارکی، حسینعلی (۱۳۹۵)؛ «داعش و امنیت ایران با تکیه بر مکتب کپنهاگ»، *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، س ۵، ش ۱۸، صص ۱۴۱-۱۲۳.
- الهی، محمد (۱۳۹۵)؛ *جهاد استشهدادی و انتحاری*، قم: ذکر.
- بارت، رولان (۱۳۸۹)؛ *پیام عکس*، ترجمه راز گلستانی‌فرد، تهران: نشر مرکز.
- تودنهورف، یورگن (۱۳۹۴)؛ *نگاهی به داعش از درون: ۱۰ روز در دولت اسلامی*، ترجمه رحمان افشاری، تهران: مهراندیش.
- چندلر، دانیل (۱۳۸۶)؛ *مبانی نشانه‌شناسی*، ترجمه مهدی پارسا، تهران: سوره مهر.
- حاج یوسفی، امیرمحمد؛ عارف‌نژاد، ابولقاسم (۱۳۹۳)؛ «نشانه‌شناسی عملیات انتحاری در منازعات گفتمانی عراق و چالش‌های امنیتی آن بر ج.ا.ایران»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، س ۹، ش ۳، صص ۱۱۰-۷۵.
- ذوالفقاری، مهدی؛ عمرانی، ابودر (۱۳۹۶)؛ «تأثیر ظهور داعش بر امنیت ملی ج.ا.ایران»، *پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، س ۷، ش ۲، صص ۱۹۵-۱۶۹.
- رایش، والتر (۱۳۸۱)؛ *ریشه‌های تروریسم*، ترجمه حسین محمدی نجم، تهران: سپاه پاسداران، دافوس.
- سیفی، عبدالمجید؛ پورحسن، ناصر (۱۳۹۷)؛ «داعش و پدیداری موازنه تهدید در روابط ایران و عراق»، *مطالعات روابط بین‌الملل*، س ۱۱، ش ۴۱، صص ۶۳-۳۷.
- عطوان، عبدالباری (۱۳۹۵)؛ *تولد اهریمن؛ عوامل پیدایش دولت اسلامی عراق و شام*، ترجمه فاروق نجم‌الدین، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- متر، کریستین (۱۳۷۶)؛ *نشانه‌شناسی سینما*، ترجمه روبرت صافاریان، تهران: کانون فرهنگی هنری اینتارگران.
- نجات، علی (۱۳۹۴)؛ *کالبدشکافی داعش*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- نجف‌زاده، مهدی (۱۳۹۳)؛ «بازتاب منازعه هویتی در ابزار فرهنگی»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، س ۹، ش ۲، صص ۲۳۷-۲۰۷.
- جعفری، جواد (۹۳/۷/۱۵)؛ «پرچم سیاه از علائم ظهور نیست»، *خبرگزاری شبستان*، قابل دسترسی در: <http://www.shabestan.ir/detail/News/407839>
- رضوانی، امیر (۹۳/۵/۱۹)؛ «چرا پرچم داعش سیاه است؟»، *سایت تبیان*، دسترسی در: <https://article.tebyan.net/282792>
- فیرحی، داوود (۹۳/۷/۱۲)؛ «فقه تکفیر و تحولات آن در اندیشه معاصر»، *مؤسسه فرهنگی فهیم*، دسترسی در: <http://fahimco.com/Post/Details/4152/>
- قزوینی، یاسر (۹۶/۵/۱۱)؛ «ریشه‌های تاریخی داعش»، *پژوهشگاه هنر، فرهنگ و ارتباطات*، دسترسی در: <https://cgie.org.ir/fa/news/178787>
- مشرق‌نیوز (۹۳/۳/۲۹)؛ «تهدید دوباره داعش علیه ایران»، دسترسی در: <https://www.mashregnews.ir/news/319517/>
- Abadie, Alberto (2004); *"Freedom squelches terrorist violence"*, available at: <http://www.news.harvard.edu/gazette/2004/11.04/05-terror.html>. retrieved 2011/9/11, 21:30.

- Al-Qarawee, Harith Hasan, (2014); "Iraq's sectarian crisis; a Legacy of exclusion", *Carnegy: middleeast ceter*, April 2014. Available At: http://carnegieendowment.org/files/iraq_sectarian_crisis.pdf.
- Atran, Scott (2006); "The Moral Logic and Growth of Suicide Terrorism", *The Washington Quarterly*, 29, No. 2.
- Bloom, Jonathan (2014); "*what does the black-and-white ISIS flag mean?*" Available At: <http://speisa.com/modules/articles/index.php/item.483/what-does-the-black-and-white-isis-flag-means.html>.
- Bunzel, Cole (2015); "From Paper State to Caliphate: The Ideology of the Islamic State", *Brookings*, 19, March 2015.
- Crenshaw, Martha (2007); "Explaining Suicide Terrorism: A Review Essay", *Security Studies*, 16, No. 1.
- Crowcroft, Orlando (2015); "*Isis: What is the story behind the Islamic State one-fingered salute?*", June 16.
- Gander, Kashmira (2015); "Isis flag: What do the words mean and what are its origins?", *Independent*, 6 July 2015.
- Lankford, Adam (2010); "Do Suicide Terrorists Exhibit Clinically Suicidal Risk Factors?", *Aggression and Violent Behavior*, Vol 15, Issue 5.
- Pape, Robert A. (2003); "The Strategic Logic of Suicide Terrorism", *American Political Science Review*, Vol 97, No 3 August 2003, The University of Chicago.
- Pape, Robert A (2005); *Dying to Win: The Strategic Logic of Suicide Terrorism*, New York: Random House.
- Stanford university, (2010); *Peirce,s theory of signs*, Nov 15, 2010, At: <https://plato.stanford.edu/entries/peirce-semiotics/>
- Thompson, Larry (2001); "Wars forgotten faces", *The Atlantic Online December 18*, 2001.
- Winter, Charlie (2017); "War by Suicide: A Statistical Analysis of the Islamic State's Martyrdom Industry", *International Center for Counter-terrorism (ICCT)*, February 2017.
- Yadgari, Yusef (2011); "*Disabled Often Carry Out Afghan Suicide Missions*".
- Zelinsky, Nathaniel (2014); "ISIS Sends a Message", *foreign affairs*, September 3, 2014.
- <https://www.colorpsychology.org/black>.